

# حق زوجه بر اشتغال و رابطه آن با حق زوج بر تمکین<sup>۱</sup>

فهیمة ملکزاده<sup>۲</sup>

## چکیده

در اسلام، از سویی استقلال مالی و کسب و کار زن پذیرفته شده و از سوی دیگر ریاست زوج بر خانواده و حق تمکین او محدودیتی برای زوجه در اشتغال ایجاد کرده است؛ به گونه‌ای که زوجه بدون اذن زوج نمی‌تواند از خانه خارج شود یا به مشاغلی پردازد که با مصالح خانواده یا حیثیت خود و همسرش منافات داشته باشد. این تناقض ظاهری که در قوانین ایران هم دیده می‌شود، مسأله پژوهشی مقاله حاضر است که نویسنده طی آن با استناد به متون اسلامی و نصوص قانونی نشان می‌دهد که در حقیقت، تناقضی میان حق زوجه بر اشتغال و حق زوج بر تمکین وجود ندارد و هر یک از این حقوق ناظر به جنبه‌هایی از زندگی و تأمین‌کننده مصلحت‌هایی بر روابط خانوادگی است و البته راه‌حل‌های شرعی و قانونی هم وجود دارد که نمی‌گذارد زوج از حق خود بر تمکین سوء استفاده کند و حقوق انسانی زوجه را در اشتغال از وی سلب نماید. شرط ضمن عقد نکاح یکی از این راه‌هاست.

## واژگان کلیدی

حقوق، زوج، زوجه، اشتغال، تمکین، شرط ضمن عقد

---

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۹؛ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۶

۲- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال

## مقدمه

امروزه دیدگاهی که در زمینه اشتغال و دیگر فعالیت های اقتصادی و اجتماعی زنان وجود دارد، نه تنها مثل گذشته نیست، بلکه در جهت حفظ استقلال زنان در عرصه های مختلف اقتصادی، فکری، فرهنگی و اجتماعی یک ضرورت شمرده می شود. لیکن این ضرورت با تشکیل خانواده ممکن است به چالش کشیده شود. ثمرات استقلال زنان که بارزترین آن، تأثیرات مثبت روحی و روانی است، به تحقیق ثابت شده است. درماندگی در امرار معاش و تدارک مایحتاج زندگی زنان بی سرپرست یا بدسرپرست و فاقد شغل خود به وضوح بیان گر ضرورت فعالیت های اقتصادی و اجتماعی زنان است. و چه بسا مشکلات و نابسامانی های اخلاقی و اجتماعی که برای زنان پیش می آید، ریشه در عدم تأمین اقتصادی ایشان داشته باشد.

هدف نویسنده در مقاله حاضر این است که دو نکته را بررسی کند:

۱- آیا در فقه اسلامی و قوانین جمهوری اسلامی ایران، تناقضی میان حق تمکین زوج

و حق اشتغال زوجه وجود دارد؟

۲- چگونه می توان زمینه های اشتغال زنان را فراهم کرد که هم نیمی از جامعه که به

ایشان مربوط می شود، از حق انسانی برخوردار شوند و هم حق همسران به لحاظ شرعی و قانونی زیر پا گذاشته نشود.

بدین منظور، نویسنده در مبحث اول، مسأله تمکین را به لحاظ فقهی و حقوقی بررسی

می کند و در مبحث دوم، مسأله اشتغال زنان را، از دیدگاه های مختلف باز می گوید و راه حل هایی برای برخورداری ایشان از حقوق خود ارائه می نماید.

## مبحث اول: تمکین

### تعریف فقهی و حقوقی تمکین

تمکین در لغت به معنای «قبول کردن و پذیرفتن فرمان کسی» (عمید، ۱۳۴۳، ص ۲۱۸) و

همچنین به معنای تن در دادن آمده است (ملک زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵). از جمله آثار ریاست

مرد بر خانواده، تکلیف تمکین برای زن است. در فقه نیز تمکین، دو معنای عام و خاص

دارد که ذیلاً به آن می‌پردازیم:

### تمکین خاص

تمکین به معنی خاص آن است که زن نزدیکی جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد، و از برقراری رابطه جنسی با او سرباز نزند. از ظاهر کلمات فقها در متون فقهی استفاده می‌شود که تکلیف زوجه بعد از عقد نکاح منحصر به تمکین، یعنی برآوردن نیازهای زوج و متابعت در امور زناشویی است. این معنا از مجموعه کلمات صاحب حدائق (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۲۵، ص ۱۰۳)، صاحب جواهر، (نجفی، ۱۳۷۴، ج ۳۱، ص ۳۰۷)، شهید ثانی در مسالک (جبعی عاملی، ۱۳۱۰، ج ۱، ص ۵۸۵)، و آیت‌الله خویی (موسوی خویی، ۱۴۱۰ هـ، ج ۲، ص ۲۸۷) به دست می‌آید.

برخی از فقها بر آنند که تمکین عبارت است از تن در دادن و واگذار کردن نفس به شوهر برای بهره‌بری جنسی به طوری که مقید به زمان و مکان خاصی نباشد. بدین معنا اگر زن تن در دادن به عمل زناشویی را به زمانی غیر از زمان دیگر یا مکانی غیر از مکان دیگر، واگذارد، تمکین حاصل نشده است (یزدی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۱۵).

### تمکین عام

تمکین به معنی عام آن است که زن وظایف خود را در قبال شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد. پس اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارفی از زن داشته باشد، زن مکلف به اطاعت از او نیست. مثلاً اگر شوهر زن را از ادای فرایض مذهبی باز دارد، یا از زن بخواهد که اموالش را به او انتقال دهد، زن می‌تواند از اطاعت شوهر سرباز زند. مرد می‌تواند رفت و آمد و مکاتبات زن را کنترل کند؛ لیکن این کنترل نباید از حدود متعارف خارج باشد. هر گاه مرد برخلاف متعارف از خروج زن از خانه و بازدید خویشان و دوستانش جلوگیری کند، رفتار او سوء معاشرت به شمار می‌آید. مقام ریاست خانواده برای مرد و وظیفه تمکین برای زن ایجاب می‌کند که هر گاه در امور خانواده و تربیت اولاد و معاشرت‌ها و اعمال

زن اختلاف نظری بین زن و مرد وجود داشته باشد، زن از نظر شوهر پیروی کند، مگر این‌که مجوز قانونی برای عدم اطاعت از شوهر وجود داشته باشد (ملکزاده، ۱۳۸۴، ص ۲۸۵). عدم تمکین در اصطلاح حقوقی نشوز است و زنی که از شوهر اطاعت نکند ناشزه نامیده می‌شود. نشوز در لغت به معنای ارتفاع و بلند شدن و در اصطلاح حقوقی نافرمانی یکی از زوجین است. نافرمانی زوج و عدم ایفای وظایف زناشویی از ناحیه او نیز در فقه اسلامی نشوز نامیده شده است. هر گاه نافرمانی و وظیفه‌نشناسی از هر دو طرف باشد، آن را شقاق نامیده‌اند (جبعی عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۰۴). برخی نیز گفته‌اند که خارج شدن زن از منزلی که برای سکونت او معین شده، چنانچه بدون مجوز شرعی باشد، از مصادیق نشوز است (طباطبائی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، ص ۱۶۳). لیکن در حقوق امروز نشوز را معمولاً برای نافرمانی زن به کار می‌برند.

نتیجه این‌که، تمکین که به معنای تن دادن به حقوق شوهر است، قلمرو معین و ثابتی نخواهد داشت. بلکه همان‌طور که در کلام فقها و حقوق‌دانان آمده است، عرف و عادات و رسوم اجتماعی، ملاک و معیار آن شمرده می‌شود و قانون‌گذار عرفی می‌تواند در هر دوره از زندگی، با حفظ کلیات، به تدوین قانون یا تغییر و اصلاح قوانین گذشته در این زمینه بپردازد.

### فلسفه تمکین در نظام حقوقی خانواده

طبق تلقی دینی و قانونی «اموری با مصالح خانوادگی منافای است که سبب سستی بنیان آن یا اخلال در نگاهداری و تربیت فرزندان یا حیثیت اجتماعی زن و شوهر یا بر هم زدن نظم اقتصادی خانواده باشد...» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۳). به طور خلاصه و کلی در ناسازگاری شغل زن با مصالح خانواده امور ذیل می‌تواند ضابطه و معیار باشد:

۱- سستی بنیان خانواده: مطابق ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی: «زوجین باید در تشییع مبنای خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند». بنابراین تشییع و تحکیم مبنای خانواده وظیفه مشترک زوجین است؛ حال اگر شغلی که زن انتخاب کرده، به دلایلی موجب سستی بنیان خانواده باشد، زوج می‌تواند با آن مخالفت نماید.

۲- اختلال در تربیت فرزندان: مطابق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی: «نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است». حال اگر شغل زن مانع از انجام وظایفی باشد که قانون در قبال فرزندان بر عهده وی گذاشته است، زوج می‌تواند مانع اشتغال زن شود. در این مورد از حضرت امام خمینی (ره) سؤال کرده‌اند که: زنی معلم است و این امر را یک فریضه شرعی می‌داند، ولی شوهر وی عقیده دارد که کار وی بیرون از خانه مانع رسیدگی و تربیت صحیح فرزندان می‌شود، و باید یا وقت کارش را صرف در خانه نماید یا وقت خانه را صرف در کارش؛ تکلیف چیست؟

امام پاسخ داده‌اند: خارج شدن زن از منزل باید با اجازه شوهر باشد، ولی شوهر نمی‌تواند او را وادار به رسیدگی به فرزندان نماید (کیائی، ۱۳۸۴، ص ۲۶۲).

همه مشاغل خارج از منزل ممکن است کم و بیش زن را از پاره‌ای وظایف مادری و همسری باز دارد؛ اما این مشکل را می‌توان با تقسیم کار در خانه و بین افراد خانواده حل کرد. به این صورت که همه کارها و مسئولیت‌های خانه بر دوش یک نفر که آن هم قطعاً زن خانه است، نباشد. در دین و قانون ما هم کار خانه به عنوان یک وظیفه مسلم برای زن عنوان نشده است. شاید هدف از وضع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی نیز این بوده است که گرفتاری‌های شغلی زن، مانع از اداره خانه و تربیت فرزندان او نباشد و شوهر، به عنوان رئیس خانواده و مسئول حفظ مصالح این کانون، بتواند زن را از کاری که بر خلاف مصلحت می‌بیند، بازدارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۳۳).

### آثار فقهی - حقوقی تمکین

هر گاه زن تمکین نکند و ناشزه باشد، شوهر می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده، الزام زن را به تمکین بخواهد، به علاوه زن ناشزه نمی‌تواند از شوهر نفقه مطالبه کند. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر گاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود»؛ البته اگر زن مانع مشروع و عذر موجهی در عدم تمکین داشته باشد، حق وی در نفقه ساقط نخواهد شد. مثلاً اگر زن به علت خطری که از جانب شوهر متوجه اوست، از ماندن در خانه شوهر خودداری کند، یا

به علت ابتلای شوهر به امراض مقاربتی از نزدیکی با او امتناع نماید، این امتناع مانع حق نفقه نخواهد بود (ماده ۱۱۲۷ قانون مدنی). در مورد اشتغال زنان نیز از نظر فقهی اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد باید با موافقت شوهر انجام پذیرد (حسینی سیستانی، ۱۴۱۳هـ ج ۳، ص ۱۰۳، م ۳۲۷). بنابراین چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده باشد و با شرط اشتغال هم نکاح صورت نگرفته باشد، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هرگونه حرفه در بیرون خانه منع کند؛ البته اشتغال به حرفه‌هایی که منافای با استمتاعات زوج باشد، حتی در داخل منزل نیز باید با جلب موافقت شوهر باشد. اشتغالات غیرمنافی نیز (اعم از داخل یا خارج منزل) چنانچه با مصالح و حیثیت خانوادگی شوهر منافات داشته باشد، می‌تواند مورد ممانعت قرار گیرد. بنابراین واضح است که در صورت عدم اطاعت، زوجه ناشزه محسوب خواهد شد. هر گاه در هنگام ازدواج زن شاغل بوده و عقد همسری مبنی بر ادامه آن انجام گرفته باشد، یا شرط ضمن عقد باشد، زوج نمی‌تواند زن را از ادامه شغل منع نماید (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۳۱۶).

## مبحث دوم: اشتغال زن

### تعریف فقهی و حقوقی اشتغال

فعالیت انسان به منظور تولید با تغییر شکل یا انتقال اشیا را اصطلاحاً کار می‌گویند. حاصل فعالیت مذکور هم کار نامیده می‌شود.

کار زن را نباید با اشتغال زن یکسان دانست و به یک صورت مورد بررسی قرار داد. کار زن از اول حیات بشری وجود داشته است در حالی که اشتغال پدیده‌ای جدید و مدرن است. کار و فعالیت زن احتیاج به انگیزه ندارد؛ چون به تداوم حیات آدمی مربوط می‌شود. ولی در اشتغال، موضوع فرق می‌کند و انگیزه و خیزش لازم است. اشتغال زن پدیده‌ای مجرد و مستقل نیست؛ بلکه به سازمان‌های مکمل و مجاور هم نیاز دارد. اشتغال زنان که از سوی برخی به عنوان رهایی از اسارت زنجیره‌های کهن تعبیر شده است، تأثیرات نسبتاً گسترده‌ای را در پی آورده و دگرگونی‌های بنیادی در ساختار جامعه ایجاد کرده است. روابط زنان و شوهران، سرنوشت کودکان، نظام ارزش‌های سنتی،

توزیع و تعدد نقش‌ها تحت تأثیر اشتغال زنان تغییر کرده است. کار زنان در خارج از خانه پیامدهای مثبت و منفی زیادی داشته است که می‌توان آن‌ها را به پیامدهای خانوادگی و اجتماعی - فرهنگی و اخلاقی - روانی و عاطفی و اقتصادی دسته‌بندی کرد.

### اشتغال زنان و آثار ناشی از آن

**الف - دیدگاه مثبت:** طرفداران این دیدگاه معتقدند باید زمینه برای فعالیت و اشتغال زنان در زمینه‌های مختلف به وجود آید. اشتغال زنان از مسائل مهم هر جامعه می‌باشد، اگر زنان در امور جامعه مشارکت داشته باشند هم به عنوان نیمی از جمعیت غیرفعال جامعه، فعال می‌شوند و هم با دیدی دیگر به تربیت فرزندان خود که آینده سازان نسل فردا می‌باشند، می‌پردازند. همچنین به علت نیاز جامعه سطح دانش و آگاهی آنان بالا رفته و در نتیجه نقش استثمار خود را از بین خواهند برد. به طور کلی در قرون اخیر به دلیل شرایط خاص اقتصادی - اجتماعی، بسیاری از محققان معتقدند که اشتغال زن خارج از خانه و گسترش این امری لازم و ضروری است.

**ب - دیدگاه منفی:** در مقابل کسانی که با دید مثبت به اشتغال زنان می‌نگرند، عده‌ای نیز معتقدند که زنان به صورت فطری دارای رسالتی هستند و آن تربیت فرزند و شوهرداری و رسیدگی به امور خانه است و پدر خانواده با داشتن شغل و درآمد، رهبر اصلی خانواده محسوب می‌شود. اگر زن وظیفه نان‌آور را به عهده بگیرد، خطر رقابت با شوهر به میان می‌آید. مسأله‌ای که برای وحدت و هماهنگی خانواده زیان‌آور است (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۹).

عده‌ای نیز اذعان می‌نمایند که به علت مضاعف شدن وظایف زنان و آثار ناشی از آن، سلامت روانی و جسمانی زنان به خطر می‌افتد. در این رابطه طرفداران فرضیه کمبود نیز معتقدند ایفای نقش‌های مهم و گوناگون مثل نقش‌های مادری، همسری و شغلی موجب خستگی زیاد و فشار بر زنان شاغل می‌گردد. و در نتیجه سلامت روان آنان و حوزه‌های مربوط به آن تهدید می‌شود.

بر اساس این تئوری، اشتغال به ویژه اشتغال تمام وقت برای زنان پیامدهای منفی

جسمانی و روان‌شناختی از قبیل احساس گناه و اضطراب خواهد داشت (خسروی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۸). البته این دیدگاه قابل نقد و بررسی است و دلایل موجهی در رد و اصلاح این نظریه وجود دارد که از حوصله این مقاله خارج است.

**ج - دیدگاه اشتغال مشروط:** طبق این دیدگاه، اشتغال نباید وظایف مادری و تربیت فرزندان را تحت شعاع خود قرار بدهد. وجود قوانین و تسهیلات لازم برای اشتغال زنان ضروری است، تا یک زن بتواند نقش‌های متعدد را به نحو احسن انجام دهد. ضمناً زنان شاغل از کفایت و خودپنداره‌های مثبتی برخوردارند، لذا به شکل مؤثری قادرند به مدیریت زمان بپردازند و با برنامه‌ریزی بهتر از زمان خود استفاده بیشتری ببرند (همان، ص ۱۳۸). در نقد این نظر باید گفت وظایفی را برای زن معین می‌کند که شرع و قانون، آن‌ها را وظیفه زن تلقی نمی‌کند.

### استقلال مالی زن در قرآن کریم و قوانین موضوعه

زن، به عنوان یک انسان، می‌تواند کارهای اقتصادی کرده، از نتایج کارش کاملاً برخوردار شود. در دین اسلام هم این نکته مورد تأکید است و قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید: *لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ*؛ «برای مردان از آنچه اکتساب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان نیز از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است» (نساء، ۳۲). متون قطعی شریعت، هیچ کدام برخلاف آنچه که شهرت یافته است، از نظریه حرمت اشتغال زن جانبداری نکرده‌اند. با این همه، به نظر می‌رسد که گرایش «مردسالارانه» مسلمانان، همواره کوشش آشکاری به عمل آورده است تا محرومیت‌های اجتماعی زن و از جمله «حرمت» یا حداقل، «کراهت» اشتغال زن را به قانونی فقهی - با ساختاری کمابیش تغییرناپذیر - تبدیل کند؛ امری که کاملاً به نظام اجتماعی زندگی مسلمانان مربوط است و ارتباط مشخصی با تعالیم قرآن و سنت قطعی نبوی ندارد.

### حق زن بر اشتغال و تصرف دارایی‌های حاصل در حقوق ایران

اصولاً زنان، مانند مردان می‌توانند به مشاغل مختلف دست یابند و منع قانونی برای



اشتغال وجود ندارد. در اصل بیست و هشتم قانون اساسی، درباره وظایف دولت و افراد در مورد اشتغال و آزادی انتخاب شغل، چنین آمده است: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط متساوی برای احراز مشاغل ایجاد نماید». نظیر همین حکم از حیث شمول نسبت به زن و مرد در دستیابی به فرصت‌های شغلی در اصل ۴۳ قانون اساسی دیده می‌شود، به خصوص بند دو اصل مزبور که از جمله ضوابط نظام جمهوری اسلامی ایران است، این گونه بیان می‌دارد: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی...». در قانون کار، هیچ محدودیتی برای زنان در انعقاد قرارداد کار و نوع کارهای ارجاعی بر مبنای تبعیض بین دو جنس وجود ندارد. طبق تبصره ماده ۹ قانون مزبور: «اصل بر صحت کلیه قراردادهای کار است، مگر آن‌که بطلان آن‌ها در مراجع ذیصلاح به اثبات برسد». تنها محدودیتی که در قانون کار به نفع زنان برقرار شده، ممنوعیت ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک به آن‌هاست. طبق ماده ۷۵ قانون کار: «انجام دادن کارهای خطرناک، سخت و زیان‌آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی، برای کارگران زن، ممنوع است...».

در حقوق ایران، اموال زن و مرد دارای مشترک را تشکیل نمی‌دهد، بلکه اموال هر یک از زوجین مستقل و جدا از اموال دیگری است. بدینسان زن در حقوق ایران، که در این قسمت نیز از فقه اسلامی پیروی کرده است، از نظر مالی مستقل است. وی می‌تواند در اموال خود، چه به صورت جهیزیه، ارث و چه غیر آن‌ها، آزادانه تصرف کند و هر گونه عمل مادی یا حقوقی در آن‌ها انجام دهد. شوهر حق هیچ گونه مداخله در اموال و دارایی زن را ندارد و ریاست او بر خانواده اختیاراتی برای وی در این زمینه ایجاد نمی‌کند. از این لحاظ حقوق اسلام و ایران برای زن اهلیت کامل قائل شده و برخلاف حقوق سابق اروپا، زن را به هیچ وجه محجور نشناخته است. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی در این باره

می‌گوید: «زن مستقلاً می‌تواند در دارایی هر تصرفی را که می‌خواهد بکند». این یک قاعده مترقی است که، در بعضی کشورهای متمدن و پیشرفته، زنان پس از سال‌ها مبارزه به آن دست یافته‌اند. کار اقتصادی زن هم جزء اموال او به شمار می‌آید و زن مجبور نیست آن را به رایگان در اختیار شوهر بگذارد، مگر کاری که بر حسب عرف و عادت، از باب حسن معاشرت یا معاضدت، وظیفه زن محسوب شود که زن نمی‌تواند مزدی برای آن مطالبه کند. در حقوق اسلامی گفته‌اند: زن می‌تواند برای کارهایی که در منزل شوهر به درخواست او انجام می‌دهد، از او مطالبه حق‌الزحمه نماید (کریمی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۳۷).

### اشتغال زن و محدودیت خروج از منزل

طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند». به این ترتیب، از مواردی که شوهر به استناد ریاست و مسؤولیت خود در حفظ مصالح و سلامت خانواده و حراست از حیثیت آن، حق دخالت دارد، موضوع کار و اشتغال زوجه است. البته، کار و فعالیت شغلی از حقوق قانونی و مشروع زن محسوب می‌گردد و زن می‌تواند همانند مرد با رعایت موازین شرعی به کار و حرفه متناسب با شؤون خویش اشتغال ورزد و از این جهت منعی برای او وجود ندارد (شمس‌الدین، ۱۹۹۶م، ص ۱۹۳).

اشتغال زن در بسیاری موارد ملازم با خروج وی از خانه است و در این جاست که به نظر می‌رسد مانع شرعی بروز می‌کند؛ زیرا «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظوری که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد. بنابراین، چنانچه زن در هنگام ازدواج شاغل نبوده و با شرط اشتغال، ازدواج انجام نگرفته [باشد]، شوهر می‌تواند مطلقاً زن را از اشتغال به هر گونه حرفه در بیرون خانه منع کند» (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶). اما باید توجه داشت که هیچ‌گاه خروج زن از منزل بطور مطلق در اختیار شوهر نیست، مگر زمانی که بیرون رفتن زن منافی حق مسلم شوهر در استمتاع باشد یا آن‌که شوهر در سمت ریاست و مسؤولیت سرپرستی خانواده و در جهت مصلحت اندیشی و پاسداری از عفت و حیثیت خانواده، زن را منع نماید. بنابراین بحث اشتغال زوجه را

می‌توان بر اساس چنین ضابطه‌ای مورد تحلیل و بررسی قرار داد؛ بدین ترتیب که شوهر حتی اگر اشتغال زن مغایر با حق کامجویی وی نباشد یا به این امر رضایت دهد، به لحاظ داشتن ریاست و سرپرستی خانواده و صلاح اندیشی آن، حق بازرسی و نظارت دارد و به این ترتیب می‌تواند زن را از اعمال و مشاغل منافی عفت و مصلحت و حیثیت خانواده باز دارد. از همین رو ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به آن تصریح کرده است. این ماده نوعی محدودیت شغلی برای زن شوهردار ایجاد می‌کند، ولی محجوریت مطلق زن شوهردار و یا تسلط مطلق مرد را بر زن و مانع شدن از اشتغال او را نمی‌رساند، بلکه به لحاظ اهمیت و اعتباری که به خانواده داده شده به لحاظ حفظ مصالح خانوادگی، محدودیت زن در برخی مشاغل به وسیله شوهر مجاز شمرده است (مهرپور، ۱۳۸۴، ص ۲۸). در این مورد دیدگاه‌های امام خمینی (ره) را ضمن استفتائات ایشان و آن هم در زمانی که ضرورت حضور زنان در جامعه بیش از پیش احساس می‌شد (زمان جنگ) مورد ملاحظه قرار می‌دهیم و به نتایج جالب توجهی می‌رسیم.

سؤال: زنی هستم که قبل از انقلاب فرهنگی در یکی از دانشکده‌های فنی مشغول به تحصیل بوده‌ام و مقداری از واحدهای درسی را گذرانده‌ام، اکنون ازدواج نموده و دارای فرزند می‌باشم لطفاً نظر مبارک را در رابطه با ادامه تحصیل من و یا رها کردن آن - با توجه به بازگشایی دانشگاه‌ها - بیان فرمایید؟

حضرت امام پاسخ می‌دهند: زن برای خارج شدن از منزل باید از شوهر اجازه بگیرد، و چنانچه شوهر اجازه بدهد ادامه تحصیل مانع ندارد.

سؤال: زن مسلمانی که در آموختن مسائل دینی احساس مسؤولیت نماید، آیا می‌تواند بدون رضایت شوهر خود برای یادگیری مسائل و معارف اسلام از منزل خارج شود؟

امام در پاسخ می‌گویند: اگر از مسائلی باشد که تحصیل آن بر زن واجب است و یاد گرفتن آن‌ها منوط به خروج از منزل باشد، اجازه لازم نیست. و در غیر این صورت باید اجازه بگیرد.

سؤال: آیا زن تابع مرد است یا مرد باید از زن تبعیت نماید؟

امام می‌گویند: عنوان تبعیت در بین نیست و هریک بر دیگری حقوقی دارد که باید

مراعات شود (کیائی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۵۷). با توجه به ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که ریاست خانواده را از خصایص مرد می‌داند، این جواب قابل تأمل است.

سؤال: شوهر من مردی است ناآگاه که با تمام خوبی‌هایش احساس مسؤولیت نمی‌کند، ولی من که مشتاق فرمان امام هستم، آیا می‌توانم به بهانه‌هایی که او راضی شود (مثل خرید و صلح رحم) به جهاد سازندگی بروم. این کار از نظر شرعی چه صورتی دارد؟

پاسخ: این کار را نباید بکنید (همانجا).

به نظر می‌رسد یکی از جواب‌هایی که تکلیف کلی زنان را مشخص می‌کند جواب این سؤال است که از حضرت پرسیده می‌شود: اطاعت کردن از شوهر در چه موقعی لازم و ضروری است، و در چه موقع غیرضروری است و واجب نیست؟

پاسخ: اطاعت واجب فقط در امور مربوط به استمتاع است، و بدون اجازه شوهر نباید از خانه خارج شود، مگر این‌که در ضمن عقد شرط کرده باشد یا برای کار واجبی بخواهد از منزل خارج شود.

سؤال دیگر: اصولاً اطاعت زن از شوهر خود تا چه حدودی است؟ مثلاً اگر مردی به زن خود هیچ‌گونه اجازه خروج از منزل را ندهد و از روی خودخواهی یا عدم اطلاع از دین به زن خود امر و نهی کند، زن در این‌گونه موارد چه وظایفی دارد؟ و همچنین وظیفه زن در قبال شوهر ضد انقلاب خود چیست؟

پاسخ: خروج زن از منزل در غیر موارد وجوب منوط به اذن شوهر است. و در غیر استمتاعات و امور مربوط به آن واجب نیست دستورات شوهر را اطاعت کند. و اگر شوهر مرتکب خلافی می‌شود، زن غیر از امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای ندارد (همان، ص ۴۵۸).

سؤال: آیا زن بدون اجازه شوهر می‌تواند در مجالس روضه و مسجد، یا مجالس مذهبی دیگر شرکت نماید یا خیر؟

جواب: زن بدون اذن شوهر نباید از منزل خارج شود مگر در واجبات (همان، ص ۴۵۹).

سؤال: خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر در چه مواردی جایز است؟ و آیا شوهر

می‌تواند مانع خروج زن پزشک خود که متخصص زنان و زایمان است (و برای معالجه مجبور است در بعضی شب‌ها خانه را ترک کند) بشود؟

پاسخ: کار کردن زن در بیرون منزل اگر منافعی با حقوق زناشویی شوهر نباشد با حفظ حجاب اشکال ندارد، ولی خروج زن از منزل برای غیرواجبات منوط به اجازه شوهر است، و در موردی که معالجه بیمار در بیرون بر پزشک زن واجب شود شوهر او حق ممانعت او را ندارد (کیائی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۶۲-۲۶۳).

بنا بر استفتائاتی که ذکر شد و موارد متعدد دیگر در این زمینه به دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) در مورد اشتغال زنان و خروج آن‌ها از منزل پی می‌بریم.

برخی گفته‌اند که خارج شدن زن از منزلی که برای سکونت او معین شده، چنانچه بدون مجوز شرعی باشد، از مصادیق نشوز است (طباطبایی، ۱۴۱۲هـ ج ۱۰، ص ۴۷۳). دلیلی که برای این ادعا آورده‌اند، روایتی از پیامبر<sup>۹</sup> است که در آن سؤال از حق زوج بر زوجه شده است؛ حضرت فرمودند: «... بدون اذن از خانه خارج نشود...»؛ از حقوق زوج بر زوجه این است که بدون اذن او از خانه بیرون نرود (حرعاملی، ۱۴۰۳هـ ابواب مقدمات و آداب نکاح، ح ۱). در این روایت اگر چه از حقوق زوج بر زوجه سؤال شده است، اما به نظر می‌رسد که حضرت در مقام بیان احکام اخلاقی و متعارف آن زمان بوده است؛ زیرا هنگامی که این حدیث را مورد بررسی قرار می‌دهیم در بخش‌هایی از آن، پیامبر<sup>۹</sup> اموری را به زنان توصیه کرده است که جنبه تکلیفی نداشته بلکه ارشاد به حکم عقل و عرف بوده است، مانند استعمال بوی خوش، پوشیدن بهترین لباس‌ها و... پس به قرینه موارد یاد شده، می‌توان گفت که عدم خروج زن از خانه مگر به اذن شوهر، موضوعیت ندارد بلکه طریق است، و این از کلمات برخی از فقهای معاصر استفاده می‌شود، چنانچه گفته‌اند: «لا يجوز للزوجه أن تخرج من بيتها بغير إذن زوجها فيما إذا كان خروجها منافياً لحق الإستمتاع بها» (موسوی خویی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۲۸۹، م ۱۴۰۷) جایز نیست زن بی‌اجازه شوهر از خانه‌اش بیرون رود اگر بیرون رفتن او منافات با حق کامجویی (شوهر) داشته باشد. و یا گفته شده که اگر زن به قصد ترک خانه از منزل بیرون رود استحقاق نفقه ندارد (همان، ص ۲۸۷، م ۱۳۹۷). مفهوم این دو عبارت این است که اولاً- اگر بیرون رفتن منافات با حق استمتاع

نداشته باشد، بدون اجازه جایز است؛ ثانیاً اگر زن قصد ترک خانه و زندگی را نداشته باشد، بیرون رفتن برای کارهای روزمره مانعی ندارد. باید بگوییم، نظر آن دسته از فقها که معتقدند، بیرون رفتن از خانه مگر به اجازه شوهر از تکالیف زوجه و همانند تمکین است، در صورتی اعتبار دارد که دلیل معتبری بر آن دلالت کند، و ادله دیگر با آن معارض نباشد، در غیر این صورت اصل برائت اقتضا دارد که بیرون رفتن بدون اجازه اگر منافات با حق استمتاع نداشته باشد، اشکالی ندارد.

لازم به ذکر است روایاتی که در این باب آمده غیر از یک حدیث از لحاظ سند نامعتبر و از لحاظ دلالت قابل خدشه است (حرعاملی، ۱۴۰۳هـ باب ۶ از ابواب نفقه، ح ۷)، ظاهر روایت منصرف به زنی است که بیرون رفتن او به قصد ترک خانه باشد. آنچه در قلمرو ریاست مرد بر خانواده و در زمره اختیارات شوهر به عنوان مدیر و سرپرست خانواده قرار می‌گیرد، نظارت بر رفت و آمد و مراودات و معاشرت‌های زن است که به دلیل ارتباط با نظم عمومی و فقدان جنبه تکمیلی، حتی با توافق و تراضی طرفین، تغییر نمی‌یابد. بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال و مطابق آزادی و کرامت زن و برابری و مساوات انسان‌ها، خروج زن از منزل و معاشرت وی، بی‌آن‌که مقارن با مفسده‌ای باشد، باید عملی روا تلقی شود، اما به عنایت با حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به ویژه تمکین در برابر کامجویی شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و مسؤولیت شوهر در حفظ و صیانت از آن، این حق زن با اشکال‌ها و ابهام‌هایی مواجه گشته است (مقدادی، ۱۳۱۵، ص ۱۳۰-۱۳۱). در رابطه با منع خروج زن از منزل بی‌اذن شوهر سه دیدگاه وجود دارد:

**دیدگاه اول -** کسانی اجازه گرفتن زن از شوهر را برای خروج از منزل مطلق می‌دانند. نظریه مشهور در فقه امامیه بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، لازم است که رضایت او را به دست آورد و در مقابل شوهر می‌تواند، زن را از بیرون رفتن از خانه منع کند، اگر چه این عمل زن با حقوق شوهر منافاتی نداشته باشد. نویسنده *مسالك الافهام* نوشته است: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود، حتی اگر برای دیدن و عیادت بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از

اقوامش باشد» (جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ ج ۸، ص ۴۴۵-۴۴۶؛ نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۲۰۶؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲۸). برخی از حقوقدانان نیز متأثر از چنین باور غالبی گفته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج زن از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد» (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۳۱۶). به نظر می‌رسد این باور از لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق ناشی شده باشد، چنان که مرحوم صاحب جواهر به طور کلی گفته است: «حق شوهر بر زن است که زن از او اطاعت کند و نافرمانی نکند» (نجفی، بی تا، ج ۳۱، ص ۱۴۷). از سوی دیگر می‌توان پایه نظریه مزبور را بر به این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی‌سازد، بنابراین زن باید برای خارج شدن از منزل که زمینه بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد (همان، ج ۱۷، ص ۲۳۳).

**دیدگاه دوم - کسانی حق منع شوهر برای خروج زن را به حق کامجویی وی که حق اصلی و مسلم او در ازدواج است، مربوط دانسته‌اند (شمس‌الدین، ۱۹۹۶م، ص ۳۳؛ فضل‌الله، ۱۴۲۱هـ ص ۱۱۲).** لکن به نظر می‌رسد آیت الله خوئی نظر معتدل‌تری نسبت به دیگران دارد وی در این باره نوشته است: «زن نمی‌تواند بدون اذن شوهرش از خانه بیرون رود، در صورتی که بیرون رفتن با حق استمتاع منافی باشد؛ انجام سایر کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست، مگر با حق استمتاع منافی باشد» (موسوی خوئی، ۱۴۱۰هـ ج ۲، ص ۲۸۹).  
قائلان به این دیدگاه، نظر اول را مغایر برخی مسلمات دینی می‌دانند و معتقدند، ناروا بودن خروج زن از منزل و وجود حق منع بطور مطلق برای شوهر، با قاعده امساک به معروف<sup>۱</sup> و معاشرت نیکو با زن<sup>۲</sup> مغایرت دارد و از سوی دیگر قاعده نفی حرج از انسان در دین اسلام، راه را بر چنین باوری مسدود می‌سازد، چرا که با به رسمیت شناختن چنین حقی برای مرد، به او اجازه داده می‌شود، که حتی زن خود را به طور ابد زندانی و در بند خانه خویش قرار دهد (فضل‌الله، ۱۴۲۰هـ ص ۹۲). این امر با توجه به اصل آزادی و

---

۱. بنگرید به: سوره طلاق، آیه ۲.

۲. بنگرید به: سوره نساء، آیه ۱۹.

کرامت انسانی که اسلام برای زن قرار داده است، همخوانی ندارد.

**دیدگاه سوم** - برخی اجازه گرفتن زن از شوهر برای خروج از منزل تنها در حق کامجویی شوهر خلاصه نمی‌کنند، بلکه موقعیت ریاست شوهر و مدیریت او بر خانواده را نیز مورد توجه قرار داده‌اند (شمس‌الدین، ۱۹۹۶م، ص ۹۵؛ مطهری، ۱۳۷۶، ص ۹۵). بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده و اعضای آن که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، مراودت‌ها و معاشرت‌های زن را تحت کنترل و نظارت خود در آورد و حتی محدودیت‌هایی را برای وی منظور نماید. از همین رو مرحوم استاد مطهری با درک این واقعیت گفته است: «مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با جلب رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد، البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد و نه بیشتر» (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۹۵).

برخی از نویسندگان حقوق به خوبی بر این امر واقف گشته و اذعان داشته‌اند: «شوهر می‌تواند برای حفظ خانواده، معاشرت‌های زن و رفت و آمدهای او را بازرسی کند و او را از رفتاری که سلامت خانواده را تهدید می‌کند، باز دارد. ولی حق ندارد به دلخواه خود و بدون این‌که دلیل موجهی داشته باشد، زن را از معاشرت با خویشان نزدیک خود یا انجام فرائض دینی یا تکالیف اجتماعی باز دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۹).

### **حق قانونی همسران بر منع یکدیگر از برخی مشاغل**

ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌داشت: «شوهر می‌تواند با تأکید دادگاه، زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند». بر اساس این ماده مردی که خواهان جلوگیری از اشتغال همسرش بود، می‌بایست به دادگاه مراجعه می‌کرد و با کسب حکم محکمه مبنی بر مغایرت شغل زن با مصالح خانواده و حیثیت خود یا زن، به اشتغال همسرش پایان می‌داد.



قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، گامی به جلو برداشت و به زنان نیز حق دخالت در مشاغل شوهرانشان را داد. ماده ۱۸ قانون مزبور از شغل زن و شوهر سخن گفت که متن آن بدین شرح است: «شوهر می‌تواند با تأیید دادگاه زن خود را از اشتغال به هر شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا زن باشد منع کند. زن نیز می‌تواند از دادگاه چنین تقاضایی را بنماید. دادگاه، در صورتی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، مرد را از اشتغال به شغل مذکور منع می‌کند». بند اول این ماده عیناً همان ماده ۱۵ قانون پیشین حمایت از خانواده است، با این تفاوت جزئی که کلمه حیثیات، در قانون جدید به حیثیت تبدیل شده است. اگر چه در آیین‌نامه اجرایی قانون جدید حمایت خانواده (مصوب ۱۳۵۴/۲/۱۳) ماده‌ای همانند ماده ۱۴ آیین‌نامه پیشین دیده نمی‌شود، مع‌هذا، با توجه به متن ماده ۱۸ قانون جدید که مانند قانون سابق از «تأیید دادگاه» سخن گفته است، باید گفت: امروز هم کارفرما نمی‌تواند به صرف مخالفت شوهر با کار زن و قبل از صدور حکم قطعی دادگاه به منع زن از اشتغال به کار، به خدمت او خاتمه دهد. پس بند اول ماده ۱۸ چیز تازه‌ای نیست و تغییری در حقوق پیشین ایجاد نکرده است. اما بندهای دوم و سوم این ماده متضمن قواعد تازه‌ای است و گرایش حقوق جدید را در حمایت بیشتر از حقوق زن و ایجاد تساوی در حقوق زن و مرد نشان می‌دهد. بند دوم ماده ۱۸ به زن نیز اجازه داده است که منع اشتغال شوهر را به شغلی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا شوهر باشد، از دادگاه تقاضا کند. لیکن چون ممکن است جلوگیری از شغل شوهر اختلالی در معیشت خانواده ایجاد کند، بند سوم ماده، اختیار دادگاه را در این زمینه محدود کرده و فقط در موردی که اختلالی در امر معیشت خانواده ایجاد نشود، منع شوهر را از اشتغال به شغل خود مجاز دانسته است. این تنها فرقی است که قانونگذار بین زن و شوهر در این زمینه قائل شده است. بنابراین شاید امروزه دیگر نتوان جلوگیری از شغل زن را از آثار ریاست شوهر بر خانواده تلقی کرد. هر چند ماده ۱۸ قانون جدید حمایت خانواده گامی است در راه برابر کردن حقوق مرد و زن، و هواخواهان تساوی حقوق زن و مرد را خشنود خواهد کرد، لیکن باید یادآور شد که جلوگیری از شغل شوهر به وسیله زن با مفهوم ریاست شوهر بر خانواده - که در حقوق

و سنت خانوادگی ما هنوز به قوت خود باقی است - و تکلیف شوهر به تأمین هزینه زندگی خانواده سازگار نیست. وانگهی گمان نمی‌رود که قاعده یادشده فایده عملی متناهی داشته باشد، چه با توجه به اخلاق و سنت‌های جامعه، به ندرت اتفاق می‌افتد که زن چنین تقاضایی از دادگاه نماید. به هر حال، ظاهراً مقصود از شغلی که می‌توان برابر قانون حمایت خانواده زن یا شوهر را از آن منع کرد شغلی است که ذاتاً نامشروع باشد. اگر شغل ذاتاً نامشروع باشد، مانند کار قاچاق و قوادی، بدون هیچ گونه قید و شرطی می‌توان از آن جلوگیری کرد و ماده ۱۸ قانون حمایت خانواده ناظر به این گونه شغل‌ها نیست. تشخیص این‌که شغل زن یا شوهر منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات همسر هست یا نه، با دادرس است که باید در این زمینه به عرف رجوع کند. مثلاً اگر شغل زن طوری باشد که به هیچ وجه نتواند در اداره امور خانواده و نگاهداری و تربیت اطفال همکاری کند و این شغل اختلال و نابسامانی در وضع خانواده پدید آورد، می‌توان گفت منافی مصالح خانوادگی است. همچنین اگر شوهر کارمند عالی رتبه دولت یا تاجری معتبر و زن بلیط فروش سینما باشد، می‌توان گفت شغل زن با حیثیت شوهر سازگار نیست و دادگاه به درخواست شوهر باید زن را از اشتغال به این کار منع کند (صفائی و امامی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴-۱۲۵).

### راه حل قانونی در شرط ضمن عقد نکاح

مطابق آنچه در ماده ۱۱۱۷ ق.م. ذکر شد، زوج با دو شرط «مغایرت شغل با مصالح خانواده» و «تنافی شغل با حیثیات زوجین» می‌تواند با شغل همسر مخالفت نماید. اما منظور از مصالح خانواده و حیثیات زوجین چیست؟ درباره این‌که چه شغلی منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات زن و مرد است یا نه، ضابطه کلی نمی‌توان به دست داد. این امر بر حسب زمان و مکان و وضع خانواده تفاوت می‌کند و تشخیص آن با عرف است (صفائی و امامی، ۱۳۵۸، ص ۱۲۳). در تعریف مصلحت خانوادگی گفته شده است: اموری منافی با حیثیات شوهر و زن است که از نظر رسوم و عادات اجتماع از شخصی مانند زن و شوهر، انتظار انجام آن نمی‌رود (امامی، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۵۱). بنابراین ضرورت تصریح به

اشتغال زن و ادامه آن در حین عقد و اخذ اذن و موافقت شوهر برای اشتغال زن ضروری می‌نماید. به این معنی که زن باید شغل فعلی و آتی خود را در عقدنامه بیان نموده و شوهر تصدیق کند که شغل مذکور را برخلاف مصالح خود و خانواده نمی‌داند تا احتمال سوء استفاده‌های بعدی کاهش یابد و شوهر نتواند در آینده بنا به دلیلی مانع از اشتغال همسرش شود (بی‌اعی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

### یافته‌های پژوهش

در عصر حاضر، اقتصاد سنتی خانواده‌ها و زندگی زناشویی مبتنی بر واگذاری مطلق امور داخلی خانه به زن و کارهای خارج از خانه به مرد (شوهر)، دچار تزلزل جدی شده است. به طوری که درصد قابل ملاحظه‌ای از پیوندهای زناشویی با دو نان‌آور صورت می‌پذیرد و زن و شوهر هر دو کمابیش در تأمین معاش و هزینه‌های زندگی مشترک خود به تلاش و فعالیت اقتصادی اشتغال دارند. طرز تلقی و نحوه نگرش زنان به موقعیت جدیدشان در عرصه کار و شغل یکسان و همانند نیست؛ اما در عین حال، اغلب آن‌ها این نگرانی و دل‌مشغولی مشترک را دارند که کار کردن آن‌ها در خارج از خانه ممکن است بر زندگی زناشویی و خانوادگی‌شان تبعات سوئی داشته باشد. برای تخفیف و تقلیل این نگرانی‌ها، زنان انعطاف بیشتری نشان می‌دهند و حتی از بعضی مزایا و پاداش‌های فوق‌العاده شغلی چشم‌پوشی می‌کنند تا از موجودیت و استحکام زندگی خانوادگی و زناشویی پاسداری نمایند. بسیاری از زنان به ویژه زنان متأهل هم برای حمایت مالی از خانواده خود شیفت کاری کامل در سازمان می‌پذیرند و همه مسئولیت‌های خانه را نیز به تنهایی بر دوش می‌کشند و فشار کاری بیشتری را متقبل می‌شوند.

زنان شاغل بنا بر ضرورت انجام شغل و فعالیت‌های خارج از منزل، ناچار به خروج از منزل می‌باشند؛ اما از نظر شرعی محدودیت‌هایی برای آنان وجود دارد. برخی از فقها اصولاً خروج زن از خانه را به هر منظوری که باشد، منوط به اذن و موافقت همسر می‌دانند؛ برخی هم بر این عقیده‌اند که هیچ‌گاه خروج زن از منزل به طور مطلق در اختیار مرد نیست، مگر زمانی که بیرون رفتن زن منافات با حق استمتاع جنسی شوهر داشته

باشد. با وجود این همگی اذعان دارند که اگر زنی قبل از ازدواج شاغل باشد و همسر با علم به این مسأله با او ازدواج کند و یا این‌که هنگام ازدواج شاغل نباشد، ولی شرط اشتغال را در ازدواج قرار داده باشد، در این موارد مشکلی برای خروج زن از منزل نیست.

برای متعادل‌سازی اشتغال زن با زندگی خانوادگی و عدم تعارض آن با حق شوهر بر تمکین می‌توان راهکارهای زیر را ارائه داد:

۱- دولت و دست اندرکاران مسائل آموزش و پرورش باید با بازبینی و تغییر و تحول کتاب‌های درسی و تبیین مسائل شرعی، قانونی و اجتماعی و نیز آشنا ساختن جوانان با حقوق یکدیگر، زمینه‌های فرهنگی لازم را در جهت هماهنگ ساختن اشتغال زنان با امور خانوادگی فراهم نمایند.

۲- آگاهی اجتماعی زنان در خصوص موقعیت و منزلت خویش بهبود داده شود تا آن‌ها توانایی کسب هویت اجتماعی در سایه شناختن حقوق و قوانین مربوط به خودشان را بالا برند.

۳- قوانین مربوط به زنان به ویژه در حوزه خانواده و اشتغال بازنگری و تجدید نظر شود.

۴- در عقدنامه‌های ازدواج، شرط ضمن عقد مربوط به اشتغال زن گنجانده و تبیین شود.

## منابع و مأخذ

- ✓ قرآن کریم
- ✓ حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه إلى التحصیل مسائل الشریعه*، بی‌جا، انتشارات اسلامیة، ۱۴۰۳هـ
- ✓ امامی، سید حسن، *حقوق مدنی*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۶
- ✓ بدای، فاطمه، *شروط ضمن عقد نکاح*، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۸
- ✓ جبعی عاملی، زین الدین بن علی، *مسائل الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳هـ چاپ اول
- ✓ \_\_\_\_\_، *مسائل الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*، دوره دو جلدی، بی‌جا، چاپ سنگی، بی‌تا
- ✓ حسینی سیستانی، سید علی، *منهاج الصالحین*، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳هـ
- ✓ خسروی، زهره، *بررسی مشکلات عاطفی روانی و اجتماعی سرپرست خانواده*، تهران، دفتر امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۸
- ✓ ساروخانی، باقر، *دائرة المعارف علوم اجتماعی*، تهران، سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۷۰
- ✓ سفیری، خدیجه، *جامعه‌شناسی اشتغال زنان*، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشارات تبیان، ۱۳۷۷
- ✓ شمس الدین، محمدمهدی، *مسائل حرجه فی فقه المرأه - حقوق زوجیه*، جزء سوم و چهارم، بیروت، مؤسسه الدولیه للدراسات و النشر، ۱۹۹۶م، الطبعه الاولى
- ✓ صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله، *مختصر حقوق خانواده*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، چاپ دهم

- ✓ طباطبایی، سید علی، *ریاض المسائل فی بیان احکام شرع بالدلائل*، قم، تحقیق و نشر مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المقدسه، ۱۴۱۲هـ
- ✓ عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۴۳
- ✓ فضل الله، سید محمدحسین، *تأملات الاسلامیه حول المرأه*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۲۱هـ چاپ هشتم
- ✓ \_\_\_\_\_، *دنیا المرأه*، بیروت، دار الملائک، ۱۴۲۰هـ چاپ پنجم
- ✓ کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی خانواده*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، چاپ هفتم
- ✓ کریمی، حسین، *موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی*، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۵
- ✓ کیائی، عبدالله، *قانون مدنی و فتاوی امام خمینی (ره)*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۴
- ✓ محقق داماد، سید مصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن* (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۴
- ✓ \_\_\_\_\_، *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن* (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۰
- ✓ مطهری، مرتضی، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۷۶، چاپ چهل و ششم
- ✓ مقدادی، محمد مهدی، *ریاست خانواده*، تهران، انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۵، چاپ اول
- ✓ ۲۴- ملک زاده، فهیمه، *حقوق ناشی از ازدواج در اسلام و برخی جوامع غربی*، تهران، فلاح، ۱۳۸۴، چاپ اول
- ✓ موسوی خمینی، سید روح الله، *تحریر الوسیله*، تهران، مؤسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، چاپ اول

- ✓ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، قم، انتشارات مهر، ۱۴۱۰هـ
- ✓ مهرپور، حسین، *مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی*، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۴، چاپ دوم
- ✓ نجفی، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، تحقیق محمود قوچانی، تصحیح سید ابراهیم میانجی، تهران، المکتبه الاسلامیه، بی تا
- ✓ هورتن، سوزان، *زنان و صنعتی شدن در آسیا*، ترجمه بهزاد صادقی، تهران، نشر تیشتر، ۱۳۸۰

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.